



28 فبروری 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## مکتی بر معضله پشتونستان - داؤد خان و روابط با پاکستان

(قسمت ششم)

### روابط با پاکستان بعد از کودتای 26 سرطان 1352

#### چرخش بزرگ:

فشارهای وارده از جانب جناح راست افراطی یعنی "جنبش جوانان مسلمان" به رهنمائی و حمایت عیان و نهان مقامات پاکستانی که چند بار کوشیدند از طریق نظامی رژیم جمهوری را از پا در آورند، ولی موفق به آن نشدند، از یکطرف؛ فعالیت های جدی مراجع شوروی در کابل مبنی بر اتحاد بین خلق و پرچم به منظور جانشین ساختن آنها در راس قدرت دولت از طرف دیگر؛ همچنان تلاش در جهت استحکام مزید نظام جمهوری بر طبق یک ایدئولوژی ملی و حفظ نظام از گزند راست و چپ افراطی، محمد داؤد را ناگزیر ساخت تا در روابط خارجی خود چرخش بزرگی را در پیش گیرد. او در این راستا به سه اقدام مهم و در عین زمان حساس و خطیر توسل جست: سفر به مسکو و مطرح ساختن نقاط نظر دولت جمهوری با مقامات شوروی، توسعه روابط مزید اقتصادی و سیاسی با کشورهای غربی مخصوصاً ایالات متحده امریکا، عربستان سعودی و کشورهای خلیج و در عین زمان تلاش برای تشدید روابط دوستانه و پرتفاهم با دو کشور همسایه - ایران و پاکستان.

محمد داؤد پس از استقرار نظام جمهوری دوبار به مسکو سفر کرد: بار اول بتاريخ 14 جوزای 1353 (4 جون 1974) که بیشتر شکل معمول سابق را داشت و تأکید بردوستی افغان و شوروی صورت گرفت و اما سفر دوم او به مسکو بتاريخ 15 تا 17 اپریل 1977 به مقصد ابراز اطمینان حفظ دوستی عنعنوی به آنها و در عین زمان ابلاغ اینکه افغانستان به حیث یک کشور مستقل و غیرمنسلک حق دارد با سائر کشورهای جهان روابط اقتصادی و سیاسی داشته و هیچ نوع محدودیتی را به جز منافع ملی در این روابط در نظر نمیگیرد و نیز به هیچ کشوری اجازه نمیدهد که از خاک افغانستان علیه منافع سائر کشورهای منطقه استفاده نماید. محمد داؤد در عین زمان میخواست طی این سفر توجه جدی مقامات شوروی را در راستای فعالیت های غیرمعمول و فرا دیپلماتیک سفارت آن کشور در کابل جلب کند تا از مداخله در امور داخلی افغانستان اجتناب نماید. این سفر در فضای نه چندان گرم به انجام رسید و با پیامدهای غیرمترقب روبرو شد که حتی به نظر بعضی هاهمین سفر موجب شد تا شوروی در راه اندازی یک تحول عمده در افغانستان قاطعانه تصمیم بگیرد. درباره چگونگی و رویداد های این سفر مطالب فراوان نوشته شده و اینجانب نیز طی مقالات قبلی شرح مبسوط تقدیم کرده است که تکرار آن به طوالت این نوشته می افزاید. لذا از شرح موضوع در اینجا منصرف شده و برای مزید معلومات در زمینه مراجعه شود به مقاله: "نگاهی گذرا بر ظهور و سقوط اولین نظام جمهوری در افغانستان" از این قلم، قسمت چهارم، صفحه 5 به بعد، به لینک ذیل کلیک کنید:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/kazem\\_sa\\_coup\\_deta\\_saratan4.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_coup_deta_saratan4.pdf)

در این چرخش بزرگ می‌خواهم توجه را بیشتر به بحث روی دو نقطه ذیل متمرکز سازم که محمد داؤد برای استحکام نظام جمهوری آنرا لازمی می‌پنداشت: یکی تشنید روابط با کشورهای اسلامی و غرب و بخصوص امریکا و دیگر رفع کشیدگی‌ها با دو کشور همسایه - خاصاً با پاکستان.

## رفت و آمدهای دیپلماتیک:

سیاست خارجی محمد داؤد که بدست برادرش محمد نعیم گردانندگی میشد، بطور کل در بدو مرحله ادامه همان روش زمان صدارت او بود یعنی نزدیکی با شوروی، سردی با ایران و کشیدگی با پاکستان. بعد از دو سال که پایه‌های نظام جمهوری تاحدی در کشور استحکام پذیرفت و موقع رویدست گرفتن پلانهای انکشاف اجتماعی و اقتصادی فرا رسید، محمد داؤد به این نظر آمد که باید به جلب کمک دیگر کشورها پردازد و افغانستان را از قید وابستگی روزافزون اقتصادی - سیاسی مسکو تدریجاً بیرون کند. او برای نیل به این هدف مجبور بود در سیاست خارجی خود با کشورهای غربی بخصوص امریکا و کشورهای اسلامی از همه اولتر با دو کشور همسایه ایران و پاکستان تجدید نظر نماید. بناءً او خواست تا با پیش گرفتن یک سیاست متوازن بین شرق و غرب و ایجاد روابط نزدیک با کشورهای اسلامی از یکطرف افغانستان را بصورت تدریجی از وابستگی اقتصادی شوروی بیرون سازد تا بتواند به کمکهای بیشتر اقتصادی و حمایت سیاسی غرب دست یابد و از طرف دیگر با برقراری روابط نزدیک با کشورهای اسلامی افغانستان را از خطر فعالیت‌های تخریبی گروه‌های افراطی اسلامی بخصوص تحریکات مخفی پاکستان و عربستان سعودی در زمینه محفوظ نگهدارد.

روی همین هدف در ماه حمل 1353 محمد نعیم به حیث نماینده مخصوص رئیس دولت به کشورهای عراق، لیبیا، الجزایر، مصر، عربستان سعودی و ایران سفر کرد تا مقدمات این تحول را فراهم سازد. در سرطان آن سال وزیر خارجه ایران به کابل آمد و روابط ایران و افغانستان بهبود یافت. ایران کوشید عربستان سعودی را در زمینه اعطای قرضه و نزدیکی با افغانستان تشویق نماید، محمد داؤد در اوایل حمل 1354 (مارچ 1975) به عربستان سفر کرد و در راه برگشت به ایران رفت و با شاه ایران دیدار کرد. شاه ایران وعده کمک 300 میلیون دلاری به افغانستان داد، مشروط بر اینکه این کمک باید جانشین کمک اقتصادی شوروی باشد و در مورد فراهم آوری تسهیلات ترانزیت اموال افغانی نیز موافقه شد. شاه ایران آمادگی خود را برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان اعلام کرد و وعده اعطای یک قرضه 1700 میلیون دلاری را جهت اعمار خط آهن از سرحد ایران تا هرات داد. سپس اسناد مربوط به معاهده آب هیلمند بین طرفین تبادل و بدینوسیله موضوع متنازع فیه بین دو دولت به تاسی از توافقات قبلی حل گردید که بعداً معاهده مذکور از طرف رئیس دولت توشیح و رسماً نافذ گردید.

در همین سال 1354 (1975) بحران تازه بر روابط افغانستان و پاکستان سایه افگند که قریب بود بار دیگر به قطع مناسبات سیاسی منجر شود. آنهم به دلیلی که در پیوند با حادثه قتل شیرپاو - یکی از وزرای کابینه پاکستان که بتاريخ 8 فیروزی 1975 بوقوع پیوست، خان عبدالغفار خان و پسرش عبدالولی و تعداد دیگر از روسای حزب عوامی ملی زندانی شدند. اینکار موجب برافروختگی محمد داؤد گردید و بر شدت تبلیغات بین دو کشور افزود و نیز جنگ بلوچ‌ها را علیه قوای پاکستانی بیشتر

تحریک کرد. شاه ایران که در سرکوب بلوچ ها با پاکستان همکاری تسلیحاتی میکرد، با استفاده از حسن روابط که اخیراً با ایران ایجاد شده بود، بسرعت داخل اقدامات دیپلماتیک گردید و شخصاً به پاکستان رفت تا طرفین را به خویشتن داری تشویق نموده و نگذارد که روابط بین افغانستان و پاکستان به وخامت گراید و از بوتو وعده گرفت که بزودی سران حزب عوامی ملی را قبل از انتخابات آینده آن کشور از بند آزاد سازد.

در زمستان 1354 (1976) حکومت پاکستان به زلزله زدگان افغانستان کمک ارسال کرد که این اقدام نشانه آمادگی برای حسن تفاهم بود و قدم اول در راه بهبود روابط محسوب می شد. با استفاده از این پیش آمد، محمد داؤد از بوتو دعوت کرد تا به افغانستان سفر کند. بوتو با قبول این دعوت بتاريخ 7 جون 1976 (جوزا 1355) با یک هیئت عالیرتبه بار اول به کابل آمد و مدت چهار روز را در کابل گذشتاند. جای تعجب است که چرا و چگونه دوطرف پس از سالها کشمکش و تبلیغات سوء علیه یکدیگر بر سر معضله پشتونستان، در اعلامیه مشترک از پشتونستان بطور مشخص نام برده نشد، بلکه به تذکر "حل اختلافات سیاسی و سایر اختلافات" بین طرفین برطبق "پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز" کنفرانس باندونگ (1955) بسنده گردید. اگرچه هیئت افغانی به محمد داؤد از ناحیه تذکر "پنج اصل" فوق الذکر ابراز نگرانی کردند، زیرا ذکر آن معنی شناخت سرحدات ملی بین کشور ها را محترم می شمرد، ولی محمد داؤد در جواب به هیئت گفت: «این همه تلاش برای چه؟... از یاد نبریم که ولی خان گفته بود که او پاکستانی است و پدر او هم خود را باشنده آن کشور می شمارد... بپذیرش این پیشنهاد، حسن نیت ما در برابر پاکستانیها ثابت میشود.» (غوث، عبدالصمد: "سقوط افغانستان"، ترجمه دری، چاپ پشاور، طبع دوم، 1378 - جنوری 2000، صفحه 178)

بدین ترتیب سردی و انجماد دوامدار در مناسبات دو کشور جای خود را به نرمش و مدارا باز کرد. محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم متقابلاً دعوت صدراعظم پاکستان را جهت یک سفر رسمی به آن کشور پذیرفت و قرار شد که بعد از اشتراک در کنفرانس کشورهای غیرمنسلک منعقد کولمبو، بتاريخ 29 اسد 1356 (جون 1977) رسماً به پاکستان سفر کند.

### اهمیت سفر کیسنجر وزیر خارجه امریکا به کابل :

پس از گذشت دوماه از سفر اول بوتو به کابل، "هنری کیسنجر" - وزیر خارجه ایالات متحده امریکا برای یک توقف کوتاه بتاريخ 8 اگست 1976 بار دوم به کابل آمد و موضوعات بسیار مهم از طرف محمد داؤد در ارگ ریاست جمهوری با او در میان گذاشته شد که در آن از طرف افغانستان وحیدعبدالله و صمدغوث و از طرف امریکا "ال اترتون" - معین امور افغانستان در وزارت خارجه امریکا و "رادمن" - عضو شورای امنیت ملی امریکا و "ایلیوت" - سفیر آن کشور در کابل اشتراک داشتند. متأسفانه تا دو سه ماه قبل هیچیک از محققان افغانی از محتوای دقیق جریان این مذاکرات اطلاع نداشتند. از دوست دانشمند احمد فواد ارسلا کمال امتنان است که سند یادداشت محاوره مکمل این مذاکره را از منابع امریکائی بدست آورده و از انگلیسی به دری ترجمه و در پورتال افغان جرمن آنلاین بتاريخ 10 دسمبر 2016 به نشر رسانیده است. محتوای این سند را میتوان بطورکل در سه موضوع خلاصه کرد: یکی روابط با پاکستان، دیگر در جریان گذاشتن افغانستان از تحولات مهم منطقه که بیشتر به ارتباط اطلاعات استخباراتی مختص میشود و بالاخره جلب کمک های اقتصادی و تخنیکی امریکا برای پروژه های رویدست در افغانستان. در ارتباط با موضوع بحث این نوشته، به ذکر مختصر نکات مهم دو موضوع اولی ذیلاً پرداخته میشود:

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

**1 - در مورد روابط با پاکستان:** کیسنجر با ابراز این مطلب که برای امریکا رابطه با افغانستان و استقلال و تمامیت ارضی آن بسیار مهم است، مذاکره را آغاز نمود که به تعقیب آن رئیس دولت محمد داؤد با یادآوری مختصر از آنچه در دیدار محمد نعیم با کیسنجر در امریکا قبلاً مطرح شده بود و آنچه در اولین دیدار کیسنجر به افغانستان راجع به اهداف "انقلاب" به وی توسط خودش گزارش داده شده بود، به روابط با پاکستان اشاره کرد و گفت که حکومت پاکستان پس از وقوع زلزله درکشورما به ارسال کمک های بشر دوستانه به افغانستان پرداخت که ما این عمل را ناشی از یک حسن نیت آن حکومت دانسته و با استفاده از فرصت از صدراعظم پاکستان دعوت کردیم به افغانستان سفر کند. در ضمن این سفر توانستیم فضای مساعد دوستانه را ایجاد کنیم. محمد داؤد ابراز امیدواری کرد که: «ما معتقد هستیم که اگر این مذاکرات و تماس ها ادامه یابد، ما خواهیم توانست که اختلافات سیاسی در بین ما در مورد پشتونستان و روابط ما بهتر خواهد شد.»

در این ارتباط کیسنجر از محمد داؤد پرسید: مشکل را چگونه حل خواهید کرد؟

محمد داؤد در جواب چنین گفت: «ما این مشکل را آبرومندانه و با واقع بینی حل میکنیم. ما امیدواریم که پاکستانی ها موافقت کنند که همان حقوقی را به مردم پشتون و بلوچ اعطا کند که به دیگر مردم پاکستانی داده شده است، حقوقی که در قانون اساسی پاکستان به همه اعطا شده است. البته این مربوط به قبولی این راه حل توسط مردم بلوچ و پشتون خواهد بود. ما امیدواری زیاد داریم که اگر دولت پاکستان یک رویه دوستانه را در مقابل آنها اتخاذ کند، این موضوع به یک ترتیب مورد قناعت مردم پشتون و بلوچ حل خواهد شد. این پیش از وقت است که من در مورد نتایج مذاکرات و تماس های ما پیشگوئی نمایم، مگر من امیدوار هستم که اگر این فضا ادامه پیدا کند، ما خواهیم توانست که این موضوع را به شکل آبرومندانه حل کنیم.»

کیسنجر گفت: «من اطلاع دارم که جناب شما رئیس جمهور بعد از سهمگیری در کنفرانس ممالک غیرمنسلک به پاکستان سفر خواهید کرد؟» محمد داؤد بعد از آنکه برنامه سفرش را در راه برگشت از کنفرانس کولمبو به پاکستان تأیید کرد، علاوه نمود که: «به شما میگویم به حیث یک دوست پاکستان که اگر یک اشاره دوستانه از طرف دولت پاکستان به جانب مردم پشتون و بلوچ صورت بگیرد، این حرکت فضای خوبتری را به وجود خواهد آورد؛» کیسنجر باز سؤال کرد که: «این اشاره دوستانه چه بوده میتواند؟»، محمد داؤد گفت که: در چنین وضعی که اعضای حزب عوامی ملی که به نظر ما جزء آزادیخواهان می باشند، در پاکستان محبوس اند و پاکستان دولت افغانستان را متهم به همکاری به اعضای این حزب می سازد، رسیدن به نتایج مطلوب در این سفر مشکل است. کیسنجر افزود: «نباید توقع داشته باشید که طی این سفر بیک راه حل دست یابید؛» محمد داؤد با تأیید گفته کیسنجر اذعان داشت که مشکل بین ما و پاکستان معلق است و ما امیدوار هستیم که اگر مشکل حل نشود، حد اقل قدمی مثبت به پیش برداشته ایم. کیسنجر درحالیکه بهترشدن روابط بین افغانستان و پاکستان را خیرمقدم گفت، ابراز آرزومندی کرد تا یک راه حل مناسب پیدا شود.

بدین ترتیب بحث روی روابط با پاکستان به پایان رسید و اما هدف طرح این موضوع از طرف محمد داؤد از یکطرف ارائه اطمینان به امریکا بود که افغانستان میخواهد در حل مشکلات با همسایگان خود و از جمله پاکستان با حسن نیت اقدام نماید و نیز غیرمستقیم از کیسنجر توقع داشت که برای مقامات پاکستانی توصیه کند که در رفع معضلات بین دو کشور مجدانه و صادقانه بکوشد.

**2 - درباره کمک های استخباراتی امریکا با افغانستان:** این موضوع از حساس ترین و در نوع خود پیچیده ترین نکته مذاکرات بود که با احتیاط بسیار و بیشتر به شکل تلویحی و غیرمستقیم مطرح گردید و نظر به اهمیت موضوع میخوام بیشتر به ذکر اصل متن پردازم:

محمد داؤد: «موضوع دیگری که من میخوام در مورد آن صحبت کنم، روابط بین افغانستان و مملکت شما است. ما میدانیم که اضلاع متحده امریکا یک قدرت بزرگ است و توانائی بین المللی در استخبارات و معلومات دارد، و در ارتباط با آن جنبه روابط ذات البینی، ما خوشنود خواهیم بود، اگر شما ما را از آن تحولات در منطقه با خبر بسازید که تأثیرات منفی در امنیت ممالک منطقه خواهد داشت.»

کیسنجر: «شما این درخواست را صرفاً در این ملاقات دارید یا میخواهید که این همکاری به صورت منظم و دوامدار باشد؟»

داؤد: «نه ما از شما خواهشمندیم که اگر امکان داشته باشد، براساس روابط دوستانه با ما هر وقتی که یک چنین معلوماتی در اختیار شما قرار گرفت و برای شما مناسب است، ما را از آن معلومات مطلع بسازید.»

کیسنجر: «جناب نعیم این درخواست شما را در واشنگتن مطرح کرد و ما اساساً برای همکاری در این مورد آماده هستیم. ما علاقه داریم که اگر جناب رئیس جمهور یک اندازه زیادتز و دقیقاً آن چیزی را که به آن علاقه دارند، توضیح فرمایند.»

داؤد: «همانطوریکه جناب عالی مطلع هستید، افغانستان یک موقعیت جغرافیائی خاص دارد و در طول تاریخ به دلیل همین موقعیت جغرافیائی خاص با مشکلات مختلف دست و پنجه نرم کرده است.»

کیسنجر: «تا انجائیکه من از تاریخ افغانستان اطلاع دارم، این شما بوده اید که هرکسی که به اینجا آمده است با مشکلات زیادی مواجه ساخته اید!»

داؤد: «درحقیقت آنها برای ما مشکلات خلق کردند! دیگران به خانه ما آمدند، نه اینکه ما به خانه آنها رفته باشیم.»

کیسنجر: «مگر شما آنها را نگذاشتید که راحت باشند!» (حاضرین خندیدند)

داؤد: «من میخوام اضافه کنم که در منطقه ای ما انواع مختلف منافع و ایدئولوژی ها با یکدیگر در اختلاف هستند، و زمانی که این منافع و ایدئولوژی های مختلف با یکدیگر در تماس میشوند مشکلات بوجود می آید. بناءً من فکر میکنم توانائی های که شما در اختیار دارید به مراتب بزرگتر و کاملتر است از وسایل و توانائی های که ممالک کوچک در اختیار دارند.»

کیسنجر: «از انجائیکه بهتر است در مورد این موضوع در موقعی بحث کنیم که من خودم اینجا هستم، به عوض اینکه از طریق تلگرام و غیره، شما از همه زیادتز در مورد کدام خطر مشخص پریشان هستید - تهاجم و حمله به خاک شما؟»

داؤد: «من فکر نمیکنم تجاوز از خارج کدام چیزی باشد که به وقوع بپیوندد. ما ترسی در آن مورد نداریم، مگر در مورد چیزی که پریشان هستیم خرابکاری از داخل میباشد. ما با همسایگان خود روابط خوب داریم و در این موقع کدام ترس از تجاوز همسایه ها نداریم. اما در پالیسی های خود -

داخلی و خارجی ما خطی را تعقیب میکنیم که صفت ممیزه طرز زندگی ما است و برای ما با ارزش است. این یک خط افغانی است براساس روحیه مردم ما و رسم و رسوم ما. بنابراین یک چنین طرز فکر و روش مستقل و خط مستقل شاید متناسب به علاقه چپی ها و راستی ها نباشد. بنا برآن ما در شرایطی قرار داریم که در معرض هر نوع تأثیرات قرار بگیریم، و در ظرف ده سال گذشته شرایط طوری بوده که مملکت ما در مقابل هر نوع تأثیرات و هر نوع ایدئولوژی باز بود است. براین اساس ما بسیار خوشنود خواهیم بود و سپاسگذار خواهیم بود که اگر دوستان امریکائی ما با ظرفیت های بین المللی که دارند، اگر خطری را برای مملکت ما احساس کردند و یا دیدند لطفاً به زودترین فرصت ممکن به ما اطلاع بدهند.»

کیسنجر: «ما اساساً برای همکاری در این مورد آماده هستیم و اگر من تذکرات جناب رئیس جمهور را درست فهمیده باشم، هر دو خطرات امنیتی داخلی و خارجی را در بر میگیرد.»

داؤد: «بلی هر دو خارجی و داخلی.»

کیسنجر: «به چه کسی ما این معلومات را تحویل دهیم؟»

داؤد: «البته ما توقع نداریم که این معلومات به شکل یک نوت و یا یک یادداشت و یا یک مکتوب به ما داده شود، مگر به یک شخصی داده شود که ما انتخاب کرده و به شما معرفی خواهیم کرد و یک شخصی که شما مؤظف خواهید ساخت.»

کیسنجر: «ما هم این ترتیب را میخواهیم، بخاطری که هر چیزی که در واشنگتن به روی کاغذ باشد، بالاخره به روی صفحات اخبار واشنگتن پوست می انجامد (حاضرین خندیدند)...، در سفارت ما بغیر از سفیر صرف یک شخص دیگر ازین موضوع مطلع خواهد بود و شما به هیچ شخص دیگر بغیر از این شخصی که سفیر مؤظف میسازد، مراجعه نکنید.»

داؤد: «درست است، تشکر.»

از اینجا به بعد روی صحبت بسوی مطالب ضمنی دیگر و نیز راجع به کمک های اقتصادی و تخنیکی امریکا به افغانستان چرخید که بحث روی آن در اینجا و به ارتباط با موضوع این نوشته نمی گنجد. برای مزید معلومات به اصل سند به لینک ذیل مراجعه شود:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/Arsala\\_ShaidDaoud\\_Kissinger.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Arsala_ShaidDaoud_Kissinger.pdf)

آنچه از ورای مذاکرات فوق در رابطه با همکاری در ساحه اطلاعات استخباراتی برمی آید، ولو که در آن بصورت مشخص از هیچ کشوری نام برده نشده، اما به وضاحت معلوم میشود که محمد داؤد از ناحیه اقدامات نامرئی مراجع شوروی مبنی بر تخریب نظام جمهوری سخت نگران بود و همچنان با طرح این موضوع و جلب همکاری امریکا در زمینه، میخواست گوش پاکستان را نیز باز کند که از حمایت عیان و نهان عناصر راست افراطی دوری جوید. توجه به این نکته در متن مذاکرات حایز اهمیت است که کیسنجر گفت: «برداشت من اینست که شما علاقه دارید به موجودیت مشهود امریکا در افغانستان!» و محمد داؤد به تائید آن تصریح کرد: «بلی! این یک حقیقت است. ما موجودیت دوستانه اضلاع متحده امریکا را در افغانستان میخواهیم، با در نظر داشت موقعیت جغرافیائی ما.» در عین زمان محمد داؤد خواست ضمن ابراز دوستی و ایجاد فضای اعتماد با امریکا از موقف

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

سیاست خارجی خود به حیث یک عضو فعال جنبش عدم انسلاک اطمینان دهد و اما کیسنجر موقع را مناسب دید و روی صحبت را به حضور کیوبا در قطار کشورهای غیر منسلک برگردانید و گفت: «برای من روشن نیست که براساس کدام تعبیر کیوبا یک مملکت غیر منسلک است» و بطور مطابیه علاوه کرد که: «در غیر آن ما هم شاید علاقه داشته باشیم که حداقل به حیث ناظر عضو ممالک غیرمنسلک شویم». این همان مطلبی بود که موضوع حضور کیوبا به حیث یک کشور غیرمنسلک قبلاً توجه محمد داؤد را به خود جلب کرده بود، ولی از بیان آن خودداری میکرد، تا آنکه این موضوع در اجندای کنفرانس معاونین وزرای خارجه ممالک غیرمنسلک که قرار بود در ماه جوزای 1357 در کابل دائر شود، شامل گردید. به نظر بعضی ها یکی از دلایلی که مراجع شوروی در راه اندازی کودتا ثور 1357 عجولانه دست بکار شدند، برای جلوگیری از تدویر این کنفرانس مهم در کابل بود و نیز شوروی اطلاع داشت که پس از تدویر کنفرانس مذکور محمد داؤد در نظر دارد تا تغییرات جدی را در کابینه و نحوه اقدامات خود به وجود آورد.

(ادامه موضوع در قسمت هفتم: بهار زودگذر و فرجام خونین)

---

تصحیح یک اشتباه: (با معذرت و با تشکر از دوست عزیزى که مرا متوجه یک اشتباه ساخت) در قسمت سوم ، صفحه 4، بند 3 و سطر سوم: "عبدالحسین عزیز" به "عبدالحمید عزیز" اصلاح شود.